

## حس امان نظر

بقلم مدیر مجله

بعد از آنکه عقاید روسو در کتاب امیل Emile که مردمرا  
 بتربیت طبیعی دعوت مینمود دوره نظری خود را بسر آورد موقع آن  
 رسید که نظریات آن دانشمند صورت عمل بخود گرفته اوضاع معموله را  
 تغییر داده طرحی از نو برقرار سازد. در اینموقع بود که بهترین نتایج  
 افکار روسو در مظهر دانشمندی دیگر موسوم به پستالوزی سویسی ظهور  
 نمود این دانشمند افکار روسورا بعرضه ایجاد و بروز درآورده مبادی  
 آنرا تکمیل نمود. روسو عمارت استبداد و خود خواهی و نفاق قرن  
 هیجدهم را سرنگون ساخت و پستالوزی بر فراز خرابه های آن عمارتی  
 کامل اساس واستوار بنا نمود. عقائد ناتوالیزم یا مبادی طبیعی روسو  
 که تا حدی غیر ثابت و منفی بود بافکار پستالوزی تعدیل یافته و برای  
 اصلاح مفاسد هیئت جامعه راه جدیدی پیدا شد که عبارت بود از  
 تربیت صحیح و طرز پسندیده تعلیم. مبادی پستالوزی از این جا شروع  
 میشود که بعقیده او تربیت فقط در خواندن کتاب و اندوختن معلومات  
 نیست و همچنان نعمت تربیت مختص طبقه راقیه و اولاد اغنیا نمیباشد  
 بلکه فرزندان فقرا را نیز میتوان به ممارست صحیح طوری پرورش  
 داد که بتوانند بخوبی زندگانی نموده و قوای عقلانی و اخلاقی آنها  
 نیز رشد و نما حاصل کنند.

وقتی که در استانز (Stanz) دارالابتامی از طرف حکومت برعهده

او سپرده شد موقع را برای اعمال نظریات خود مناسب دید. در آن موقع پستالوژی هیچگونه همکار و معاون و کتاب و اسباب نداشت لیکن وی هیچیک از آنها را برای مقصود خود لازم نمیدانست. تعلیم اطفال را بوسیله امعان نظر و مشاهده و حس تجربه بهتر از تعلیم جمل و عبارات کلی و آموختن کلمات و الفاظ تشخیص داد و از آن روز رویه پستالوژی که عبارت باشد از تربیت مبتنی بر حس امعان نظر (Observation) شروع میشود.

مبادی مذهبی و اخلاقی را نه از روی کلیات و قضایای نظری بیان میکرد بلکه بوسیله حوادثی که در زندگانی روز مره اطفال اتفاق میافتاد آنها را بقدر و قیمت ملکات فاضله از قبیل خود داری، خیر خواهی، دستگیری، حق شناسی، آشنا میساخت هم چنین بوسائل و اسباب محسوس و محدود شاگردان را بعدد و حساب مانوس ساخته و بوسیله مکالمه و مباحثه از اشیاء تاریخ و جغرافیا را بانها میاموخت تا آرزوی تاریخ طبیعی را از روی طبیعت فرا نمیکرفتند ولی پستالوژی اساس تعلیم این فن را بروی مشاهدات و ملاحظات خود اطفال که از تماشای عالم طبیعت مینمودند قرار داد. در یکی از مؤلفات خود این اسلوب را وصف کرده میگوید: « من معتقدم که رشد و نمو ابتدائی فکر کودک بواسطه تعلیم الفاظ و عبارات خیلی مختل میشود. چه تعلیم الفاظ و عبارات بهیچوجه متناسب با قوه و استعداد فطری طفل و هم چنین مطلقا در خور حوادث زندگانی او نمی باشد بنا بر تجربیات من کامیابی در این مقصود بسته بانستکه آنچه بطفل میاوموزند باید کاملا متصل و مربوط بملاحظات و معاینات روزانه خود او باشد

و بطور کلی - در نظر من هیچ اهمیتی بتدریس الفاظ نباید داده شود. «  
 تجربیاتی که پستالوژی در استانز شروع کرده مقدمه تمام  
 عملیاتی است که در رشته علم التعلیم از او بظهور رسیده بعد از آنکه  
 دارالایتام استانز بسته شد در شهر بورگدرف Burgdorf مدرسه دائر  
 نمود و در اینجا تجربیات خود را توسعه داد. عملیات او در این مدرسه  
 مقدمه رشد و ظهور عملیات علم النفس در عالم تربیت میباشد. چنانکه  
 از نوشتجات او برمیآید «وی سعی کرد که خواندن و حساب کردن را بمنتهای  
 درجه سادگی در آورد و بر طبق اصول علم النفس آنها را منظمآ جمع  
 آوری نماید و باین وسیله طفل نو آموز را قادر کند که با کمال  
 سهولت و اطمینان از قدم اول بقدم دوم و از دوم بسوم پیش رفته  
 طی درجات نماید.»

پستالوژی حروف بزرگ مقطع و قابل نقل را اختراع کرد  
 و بوسیله آن باطفال قرائت آموخت زبان را بوسیله مکالمه در خصوص  
 عدد و شکل و وضع و رنگ و نقش و روزنه کاغذهای دیوار مدرسه بانها  
 یاد داد، باین ترتیب که اطفال میبایستی ملاحظاتی خود را در طی  
 جمل و عبارات که تدریجاً طولانی تر و مفصل تر میشد تکرار کنند  
 برای تعلیم حساب صفحه هائی درست کرد که آنها را بمربعات  
 چند تقسیم نموده بود و روی آنها نقطه ها و خطوط مختلفه رسم شده  
 که بوسیله آن اعداد را از یک تا صد نمایش میدادند و بوسیله این  
 «جدول های اعداد» کودکان نوآموز میتوانستند حساً و بطور وضوح  
 معنی آحاد و عمل جمع را بیاموزند و بعد این عمل را بوسیله شمردن  
 انگشتان یا سنگریزه یا لوبیا یا اشیاء نظیر آن تکرار و تمرین کنند.

مقدمات هندسه را بوسیله رسم و طرح زوایا و خطوط مستقیم و منحنی تعلیم میداد. تعلیم تاریخ و جغرافی و تاریخ طبیعی را نیز بهمین طرز (معاینه) معمول میداشت چنانکه خود گفته است « در نتیجه این تجربیات در مغز من تدریجا فکر ایجاد (الفبای معاینه A. B. C. of observation) روشن و باز شد و اینک بان کمال اهمیت را میگذارم و با اعمال و بکار بردن آن نقشه عمومی طرز تعلیم و تدریس در هر زمینه و رویه بظهور پیوست که اگر چه هنوز جزئیات آن در برابر چشم من درست ظاهر نیست ولی اساس آن بطور ساده و مختصر از اینقرار است که من میخوام تعلیم را بر فکر و دماغ طفل منطبق نمایم »

در مدرسه بورگدورف معلم دانشمند کتابی تألیف نمود این کتاب که موسوم است به « چگونه ژرترود اطفال خود را تعلیم میدهد » در ۱۸۰۱ بطبع رسیده و مشتمل است بر اصول و کلیات سیستم او و از جدیدترین اصلاحات در تعلیم ابتدائی بشمار میرود یکی از فضلا که شرح حال پستالوژی را مفصلاً نگاشته آن کتاب را بکلیات ذیل که اصول عقاید پستالوژی در فن تربیت محسوب میشود خلاصه کرده است :-

- ۱ - معاینه و مشاهده اساس تعلیم است
- ۲ - تعلیم لغت باید مربوط و متصل به حس معاینه باشد
- ۳ - زمان تحصیل - موقع محاکمه و انتقاد نیست
- ۴ - هر قسمت از تعلیم باید از سادهترین عناصر شروع شود

و تدریجاً همراه نشو و نمای قوای طفل جلو برود یعنی درجائی را طی کند که همه از روی علم النفس بیکدیگر مرتبط باشند

۵ - در هر مرحله از تدریس باید وقفه ایجاد کرد ( بقدر کفایت ممتد و طولانی) تا در اثنای آن طفل معلومات نو آموخته را کاملاً فرا گیرد و در تحت استیلاء نفسانی خود در آورد .

۶ - تعلیم باید همراه چاده نشو و نمای طفل باشد نه تابع قضایا و احکام

۷ - معلم باید شخصیت طفل را مقدس شمارد .

۸ - مقصود عمده تعلیمات ابتدائی نه آستکه دماغ طفل را از معلومات مملو نماید . بلکه مقصود آستکه قوای دماغی او را نشو و نما داده زیاد کند .

۹ - بعلم باید عمل را متصل نمود . و بمعلومات باید لیاقت استفاده و اعمال آنها ملحوق ساخت .

۱۰ - ارتباط بین «علم و شاگرد را تا حدی که انتظام حکم میکنند باید بر روی اساس محبت قرار داد .

۱۱ - تعلیم را باید فرع تربیت دانست .

پستالوزی در ۱۸۰۵ مدرسه در ایوردن Yverdon تأسیس نمود که در تاریخ فن تربیت مقامی شامخ و بلند دارد - شهرت اینمدرسه در اطراف عالم پیچیده و مرکز تجربیات علم التعلیم واقع گردید - متدورویه که آن دانشمند در استاز و بورگدورف شروع نموده بود در اینمدرسه تکمیل شد در اینمدرسه شاگردان خرد سال را تعلیم داد که در اشیاء بدقت و صحت نظر نموده و از نسبت ما بین اشیاء مفاهیم و معانی صحیحه درک کنند و بدون اشکال با کمال

وضوح و درستی آنچه را که فهمیده‌اند بیان نمایند . علاوه بر اینکه حروف منقطه و جداول اعداد را که سابقاً اختراع نموده بود در اینجا تکمیل کرد و بر محسّنات آنها بیفزود برای تعلیم نقاشی و خط نوآموزان را بر آن می‌داشت ترسیم اشکال ساده را بیاموزد

اشیائی چند مانند عصا یا قلم در جهات مختلفه قرار می‌دادند و روی تخته یا لوح خطوطی که آنها را نمایش میداد رسم میکردند تا اینکه تمام اشکال ابتدائی ساده را از مستقیم و منحنی بخوبی فرا میگرفتند آنکاه آنها بعوض اینکه از روی نمونه شکلی نقش کنند این عناصر ساده را بیکدیگر ترکیب کرده و بهدایت و تشویق معلم اشکال و تصاویر منظم و قشنگ طرح مینمودند

پستالوژی می‌گفت « بجای اینکه خطراً مبادرت تعلیم بدهند من تحقیقاً دانستم که باید قبلاً بطفل نقاشی و رسم را تعلیم داد - » شاگردان روی الواح خود از ساده ترین و آسانترین حروف شروع کرده و نوشتن را می‌آموختند سپس آنها را با یکدیگر ترکیب نموده و کلمات از آن می‌ساختند و بعد از اندکی نوشتن روی کاغذ را با قلم بخوبی یاد میگرفتند - هندسه هم بوسیله رسم تعلیم میشد . از شکل مربع که آنها را به مربعات و مستطیلات متعدد تقسیم میکردند شروع نموده و حس درك اشکال و صور هندسی در آنها پرورش می یافت . نسبت معلوم طبیعی و جغرافی و تاریخ بهمان نهج اعلی مبنی بر معانیات حسی بجا میاورند . اشجار و ریاحین و طیور را نگاه میکردند سپس تصویر آنها را کشیده و موضوع مکالمه و صحبت قرار میدادند

در باب تعلیمات مذهبی و تربیت اخلاقی پستالوژی بوسیله صور

و امثله محدود و محسوس، افکار و احساسات اطفال را در درون قلب آنها بحرکت آورده و قدم بقدم آنها نشو و نما میداد. معتقد بود که حس محبت و پرستش الهی را در روح نونهالان بهتر میتوان بوسیله محبت طفل بمادر و سایر ابناء نوع تربیت نمود تا بوسیله قضایای نظری و عبارات کلی که درک معانی آن برای طفل متعسر است.

هم چنین مفاهیم اخلاق حسنه مانند اطاعت، وظیفه شناسی و فداکاری را به تربیت حس صبر و صرف نظر از آمال و مشتتهای میتوان حاصل نمود و بطفل حالی کرد که خواهشها و لذایذ نفسانی او در عالم منحصر بفرق نیست و از دیگران نیز باید مراعات نماید.

هر چند مدرسه ابوردن بالاخره منحل و تعطیل شد و در عقب آن پستالوژی در سن هشتاد سالگی وفات یافت لیکن شهرت اینمدرسه وصیت آن دانشمند بزرگ اقطار عالم متمدن را فرا گرفت و تجربیات آن سرمشق معلمین بزرگ گردید.

اکنون چند کلمه از برای تمین رویه و اسلوب او یعنی (طریقه معاينه و امان) و اینکه چگونه مبادی او دنباله عقاید ناتورالیزم روسو میباشد تشریح کرده مطلب را خاتمه میدهیم. - پستالوژی در اولین کتاب خود این قضیه را اساس مبادی خود قرار داده است که «قوای مفیده انسانی نه مرتبط به تصنع است و نه نتیجه بخت بلکه محصول طبیعت میباشد و تعلیم و تربیت نیز باید راهی را که طبیعت در برابر او گشوده است تعقیب و پیروی کند.»

از روی همین اساس همواره پستالوژی نمو طفل را برشد طبیعی گیاه تشبیه کرده و تربیت صحیح را بمنزله آبی که مغذی آن گیاه است میدانند و بالاخره تربیت را اینطور تعریف میکنند «تربیت نمو

متناسب و مترقی و طبیعی تمام قوی و استعدادات نوع انسانی است و بنا بر این علم و دانشی که طفل را بوسیله تعلیم و تدریس بسوی آن رهبری میکنند باید در تحت تنظیم متوالی در آید و در ابتدا فراخور قوای ساده و غیر مکمل او بوده و پیوسته همقدم و بموازات رشد و نمو عقلانی و جسمانی او پیش برود تا بحد کمال رسد .

برضد مدارس که برخلاف این رویه فقط بتدریس الفاظ و عبارات ثقیله اکتفا می کنند و بحفظ اصطلاحات سطحی و معلومات کلاسیک رسمی میپردازند اعتراض کرده گفت: « مدارس که بدون رعایت پسیکولوژی دائر شده فقط ماشین های مصنوعی است که تسبیح و قوی و تجربیاتی را که طبیعت بزندگانی انسان عطا میکند تماماً ضایع مینماید. بعد از آنکه اطفال را پنج شش سال متوالی در اینگونه مدارس از مطالعه عالم وجود محروم میکنیم. تمام طبیعت را از پیش چشم آنها محو کرده؛ آزادی طبیعی آنها را محدود نموده و آنها را مانند گوسفند در آغل ها حبس میکنیم ساعتها. روزها، هفته ها، ماهها، و بالاخره سالها نونهالان را زنجیر نموده و به حفظ کردن کلمات نامطبوع غیر طبیعی شکنجه مینمائیم و برخلاف وضع طبیعی آنها را بزندگانی نامعقول و ناشایستی رهبری میکنیم،

خلاصه رویه و اسلوب پستالوژی که برای نمو طبیعی قوای انسانی طفل و بالاخره برای اصلاح مفاسد اجتماعی یگانه علاج قاطع تشخیص داده بود باسلوب معاینه (Method of observation) معروف است و برطبق آن افکار واضح و روشن فقط بوسیله احساس دقیق و ملاحظه حاصل میشود. در تمام شعب علوم و مطالعات باید احساس شاگردان را باجسام و اشیاء خارجی متوجه ساخت تا اینکه قوه فهم و ادراک آنها



بوسیله مدرکات تربیت و تکمیل شود و باید هر موضوعی را بعناصر ساده ابتدائی یا باصطلاح خود به « الفباء » آن تجزیه نمود و بعد خرد خرد و بتدریج در روی مطالعه اجسام و اشیاء (نه کلمات و الفاظ) آنرا تمرین کرده اطلاع در آنموضوع را بحد کمال رسانند .

این بود خلاصه رویه پستالوژی در تربیت که مبدأ و شالوده علم پداگوژی جدید شمرده میشود و این است تفصیل حس معاینه در علم التعلیم؛ اکنون باید دید که این رویه و اسلوب تا چه حد در مدارس جدیده مملکت ما رواج دارد؟! علی اصفرحکمت

### چگونه عیوب خود را رفع کنیم

جالینوس میگوید که چون هر شخصی نفس خود را دوست دارد معایب او بر او مخفی ماند پس در تدبیر آن خلل باید که دوستی کامل و فاضل اختیار کند و بعد از طول مواصت و مواسست او را اختیار دهد که علامت صدق مودت او آن است که از عیوب نفس این شخص اعلام واجب داند تا از آن اجتناب نماید و در این باب عهدی استوار بر او گیرد تا آن دوست هدیه و تحفه او اعلام از عیوب شمرد پس آن عیوب را معالجه بتقدیم رساند

خواجه طوسی - اخلاق ناصری